

تحلیل حق مالکیت زن بر نفقه با توجه به ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده و مقایسه آن با قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی

فاطمه جعفریان

کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، کار آموز وکالت

چکیده

بر اساس ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است، بنظر می رسد فلسفه ایجاد ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده جدید، برای جلوگیری از زندان رفتن مرد در صورت عدم پرداخت مهریه زوجه در مهریه های بسیار سنگین و نامتعارف است، قید جمله (در زمان وقوع عقد) این نکته را می رساند که اگر بعد از وقوع عقد نکاح، زوجین در عقدی جداگانه بر افزایش مهریه تراضی کنند، این مقدار افزایش یافته مشمول مقررات این ماده نیست و ملاک اعمال این ماده، مقدار مهریه ای است که در زمان وقوع عقد مورد تراضی قرار گرفته است. باتوجه به تصویب قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی در سال ۹۵، ماده (۲) مورد اشاره در ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مربوط به قانون قدیم می باشد و در حال حاضر ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی جایگزین آن شده است. مطابق ماده فوق الذکر زوجه فقط تا ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن می تواند به استناد ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی تقاضای بازداشت و حبس شوهر را داشته باشد. مستفاد از ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی، اگر شوهر در مهلت ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ اجرائیه دادگستری دادخواست اعسار از مهریه را در یکی از دفاتر خدمات قضایی به طرفیت زوجه ثبت کند، زوجه نمی تواند شوهر را تا تعیین نتیجه پرونده اعسار از مهریه، حبس نماید. نسبت به مازاد مهریه ۱۱۰ سکه بهار آزادی یا معادل آن، زوجه دیگر به هیچ عنوان نمی تواند شوهر را بابت عدم پرداخت مازاد مهریه حبس کند. اما اگر شوهر ملائت مالی داشته باشد و اموالی غیر از مستثنیات دین از او یافت شود، حکم این ماده مانع استیفای مازاد مهریه نیست و زوجه می تواند این اموال را به نفع خود توقیف کند.

واژه های کلیدی: مهریه، قانون حمایت از خانواده، ملائت مالی، مستثنیات دین

مقدمه :

ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱: هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده (۲) قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مزاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است. بر اساس نظریه مشورتی شماره ۶۵۶/۹۲/۷ مورخ ۱۲/۴/۹۲ اداره حقوقی قوه قضاییه با توجه به منطوق ماده ۲ و ۳ قانون اجرای محکومیت‌های مالی و قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳ و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲ مورخ ۱۳/۱۰/۱۳۹۰ روشن است که اعسار امری ترافعی است و مصداق دعوای حقوقی می‌باشد که از حیث اشخاص مجهول‌الحال از حیث دارایی که ادعای خلاف اصل می‌نمایند باید با رعایت تشریفات قانونی رسیدگی و پس از بررسی ادله طرفین نسبت به آن حکم صادر شود و تصویب ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده اصولاً تأثیری در اعمال ماده ۲ و ۳ قانون اجرای محکومیت‌های مالی و آیین‌نامه اجرایی آن از حیث ۱۱۰ سکه ندارد. نظریه مشورتی شماره ۸۵۶/۹۲/۷ مورخ ۹/۵/۹۲ مقرر می‌دارد برابر مقررات ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ وصول مهریه تا سقف ۱۱۰ سکه مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است در نتیجه چنانچه زوجه علی‌رغم ملائت از پرداخت آن خودداری کند به درخواست زوجه حبس می‌شود و نسبت به مزاد این مقدار این مقررات قابل اعمال نخواهد بود این امر مانع از صدور حکم نسبت به کل مهریه نخواهد بود. همچنین این نظریه مقرر می‌دارد رسیدگی به دعوای اعسار از هزینه دادرسی به منظور رسیدگی به دعوای اصلی است بنابراین به ادعای اعسار باید قبل از دعوای اصلی رسیدگی شود و دادگاه قبل از پرداخت هزینه دادرسی یا صدور حکم اعسار از پرداخت آن مجاز به ورود و اظهار نظر نسبت به دعوای اصلی نیست بنابراین دادگاه باید بدواً به تقاضای اعسار از هزینه دادرسی رسیدگی و در صورت فراهم بودن مقدمات رسیدگی به دعوای اصلی به آن نیز رسیدگی نماید.

گفتار اول : تحلیل حقوقی ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده

این ماده فراز و نشیب‌های بسیاری را پیموده تا به شکل کنونی خود تصویب شده است. بر اساس این ماده «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه بیشتر از این میزان باشد، در خصوص مزاد فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.» در ابتدای ماده چنین مقرر شده است که: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد».

قانونگذار در این ماده به مورد غالب نوع مهر یعنی سکه توجه داشته است. سکه در این ماده موضوعیت ندارد و به همین دلیل معادل آن به ریال یا پول دیگر هم مشمول ماده مزبور است (صفایی و امامی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۴). لذا قید هر چیزی که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد (ماده ۱۰۷۸ ق.م)، شامل این ماده می‌گردد.

مسئله‌ای که در این جا مطرح می‌شود، این است که در خصوص مهریه‌های سال‌های قبل، محاسبه میزان سکه بر اساس سکه بهار آزادی طرح جدید است یا طرح قدیم؟ نظریه مشورتی شماره ۷/۵۲۷۰ مورخ ۱۳۸۰/۳۶ چنین می‌گوید: «تا قبل از ضرب سکه بهار آزادی با طرح جدید سکه‌ها با نقش قدیم بوده و لذا مهریه‌ها بر اساس آن‌ها بوده است و قطعاً منظور طرفین، سکه مذکور با طرح قدیم است و از آن به بعد چنانچه دلایل و مدارکی اعم از شهود، قراین و امارات و غیره باشد که منظور طرفین

الف- چنان چه موضوع محکومیت استرداد عین مال باشد، آن مال عیناً أخذ و به ذی نفع تحویل می‌شود و اگر رد آن ممکن نباشد، بدل آن (مثل یا قیمت) از اموال محکوم علیه بدون رعایت مستثنیات دین استیفا می‌گردد؛

ب- در مورد سایر محکومیت‌های مالی، با رعایت مستثنیات دین، مطابق مقررات قانون اجرای احکام مدنی، مال وی جهت استیفای محکوم به توقیف و به فروش می‌رسد؛

ج- در سایر موارد چنان چه ملاتت محکوم‌علیه نزد قاضی دادگاه ثابت نباشد، از حبس وی خودداری و چنان چه در حبس باشد، آزاد می‌شود.

تبصره- در صورتی که برای قاضی دادگاه ثابت شود محکوم‌علیه با وجود تمکن مالی از پرداخت محکوم به خودداری می‌کند، با درخواست محکوم له و با دستور قاضی دادگاه، تا تأدیه محکوم به حبس می‌شود».

در پاسخ به سؤال یاد شده، می‌توان گفت که این آیین نامه با امان نظر به فتاوی امام خمینی (قدس سره) و رهنمودهای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با اصلاحات مذکور در عمل اصل را بر اعسار زوج قرار داده است؛ زیرا در ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، ممتنع چنان چه معسر نبود، تا زمان تأدیه حبس می‌گردید؛ اما مفهوم مخالف بند «ج» ماده ۱۸ آیین‌نامه، مبین آن است که، ممتنع تنها در صورتی حبس می‌شود که ملی باشد و لذا اشاره قانون‌گذار به اجرای ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی در خصوص مهریه تا ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن مبین اجرای آیین‌نامه آن نیز می‌باشد؛ زیرا اذن در شیء اذن در لوازم آن نیز هست.

وفق این اصلاحیه (بخشنامه رئیس قوه قضائیه)، بار اثبات ملاتت زوج بر عهده زوجه است و تا ملاتت شوهر و امتناع او از پرداخت مهر به اثبات نرسد، زوج به زندان نمی‌رود.

در حالی که تا پیش از این، بار اثبات اعسار به عهده مدیون (شوهر) بود و هر گاه وی نمی‌توانست اعسار خود را ثابت کند، حبس می‌شد. این اصلاحیه در صورتی که اجرایی شود، حبس افراد برای عدم پرداخت را محدود خواهد کرد و تحولی مثبت در حقوق ایران به شمار می‌رود. هر چند که با ظاهر ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی سازگار نیست (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۷۶). شایان توجه است تا پیش از اصلاح آیین‌نامه، شوهر به دلیل امتناع از پرداخت دین خود به همسرش فارغ از میزان آن به تجویز ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، تا زمانی که اعسار خود را ثابت می‌کرد محبوس می‌شد؛ لکن با اصلاح آیین‌نامه در سال ۱۳۹۱، دیگر زوج به دلیل امتناع از پرداخت مهریه، روانه زندان نمی‌شود، مگر آن که همسرش ملاتت وی را ثابت کند.

با توجه به انتقاداتی که پس از اصلاح بند «ج» ماده ۱۸ آیین نامه صورت گرفت، برای رفع برداشتهای معارض به شرح ذیل استعلامی از سوی اداره حقوقی قوه قضائیه صورت گرفت:

بازگشت به استعلام شماره ۹۰۳۰/۲۹۳/۳۸۵۶ مورخ ۱۳۹۱/۵/۱۱، نظریه مشورتی این اداره کل به شرح زیر اعلام می‌شود:

در مورد اعمال ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و اصلاحیه بند جماده ۱۸ و آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون مذکور اصلاحی مورخ ۱۳۹۱/۴/۳۱ ریاست محترم قوه قضائیه مراتب ذیل متذکر می‌گردد:

۱- وضعیت محکوم علیه مالی مدعی اعسار از دو حالت کلی خارج نیست: یا از نظر اعسار و ایسار معلوم الحال است یا مجهول الحال. در صورت اول، به مقتضای حال او عمل می‌شود؛ مانند کسی که حکم اعسارش قبلاً صادر شده است. در صورت دوم بنابر نظر مشهور فقها باید قائل به تفکیک شد: به این ترتیب که چنانچه دین ناشی از قرض و یا معاملات معوض باشد و مدیون اکنون مدعی اعسار شده است، بقای مال نزد وی استصحاب و در نتیجه ادعای خلاف آن با ارائه دلیل از ناحیه مدعی اعسار باید

ثابت شود و تا آن هنگام به عنوان بدهکار مامل یا ممتنع حبس می‌شود و در سایر موارد که بدهکار بابت بدهی به طور مستقیم یا غیرمستقیم مالی اخذ نکرده است، مانند ضمان ناشی از دیات، اصل عدم جاری می‌شود؛ زیرا انسان بدون دارایی متولد می‌شود و دارایی امری حادث است و وجود آن نیاز به دلیل دارد. تنها در این صورت حبس چنین شخصی که اصل، موافق ادعای اوست و تکلیف او به اثبات ادعایش، خلاف شرع و ادعای او با سوگند پذیرفته می‌شود.

۲- با توجه به منطوق مواد ۲ و ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و قانون اعسار مصوب سال ۱۳۱۳ و رأی وحدت رویه شماره ۷۲۲ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۱۳ روشن است که اعسار امری توافقی و مصداق دعوی حقوقی است که در مورد اشخاص مجهول الحالی که ادعای خلاف اصل می‌نمایند، باید با رعایت تشریفات قانونی رسیدگی و پس از بررسی ادله طرفین نسبت به آن حکم صادر شود.

۳- با حفظ مقدمات فوق، بند جاصلاحی مورخ ۱۳۹۱/۴/۳۱ ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی قانون فوق‌الذکر منافاتی با موارد قانونی مذکور نداشته و قاضی رسیدگی کننده با توجه به هر یک از شرایط گفته شده به درخواست محکوم له و نیز ادعای اعسار محکوم علیه مطابق مقررات قانونی و شرعی رسیدگی کرده تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید. ترتیب فوق شامل تمامی مدعیان اعسار اعم از محبوسین و غیرمحبوسین می‌شود» (به نقل از روزنامه رسمی مورخ ۱۳۹۱/۶/۲۰، شماره ۱۹۶۶۷).

گفتار چهارم: ارتباط ماده ۲۲ ق.ح.خ با قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۴)

با این مقدمات به نظر می‌رسد که ماده ۲۲ ق.ح.خ قاعده جدیدی جهت وصول مهریه پیش بینی نکرده است؛ زیرا برای امتناع از پرداخت مهریه تا ۱۱۰ سکه بهار آزادی شوهر حبس نخواهد شد؛ مگر آن که همسرش ملائت وی را ثابت کند. حال چنان چه مهریه بیش از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی نیز باشد، فقط در صورتی قابل وصول است که شوهر ملی باشد (نقی زاده باقی، ۱۳۹۲).

لذا قانونگذار با وجود این اصلاحات در خصوص بند «ج» ماده ۱۸، در مهریه مشکلی را حل نکرد. چه در گذشته و چه در حال، با نگاهی منصفانه به عدم توانایی زوجه در احصاء و معرفی اموال زوج، ملاحظه می‌شود که عملاً امکان حبس زوج به دلیل عدم پرداخت مهریه میسر نبوده است و ماده ۲۲ ق.ح.خ قبل از آنکه لازم الاجرا شود، فاقد کارایی‌های لازم شد. تا قبل از سال ۱۳۹۱، به موجب ماده ۲۳ قانون اعسار (مصوب ۱۳۱۳)،^۱ در محکومیت‌های مالی، اصل بر ایسار شخص محکوم بود. لذا زوج که مدعی اعسار بود، باید به عنوان خواهان دعوی اعسار، خلاف اصل ایسار را به اثبات می‌رساند.

در سال ۱۳۹۱ به موجب بخشنامه رئیس قوه قضائیه اصل فوق بر اعسار محکومان مالی چرخش پیدا کرد. به موجب این بخشنامه، محکومله برای حبس محکوم‌علیه باید ایسار وی را ثابت کند. این تحولات، در سال ۱۳۹۴ با تصویب قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی تکمیل شد.

ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (۱۳۹۴) برای رفع این تعارضات بین نصوص مختلف قانونی، با التفات به نظر مشهور فقها قاعده در خور توجهی وضع کرده است. به موجب این ماده «در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد، اثبات اعسار برعهده اوست؛ مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است. در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد، هرگاه خواننده دعوی اعسار نتواند ملائت فعلی یا سابق او را ثابت کند یا ملائت فعلی یا

^۱ - قانون اعسار مصوب ۱۳۱۳، در حال حاضر به موجب ماده ۲۹ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۹۴ نسخ شده است.

سابق او نزد قاضی محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود».

رویکردی که در سال ۱۳۹۱ با اصلاح بند «ج» ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی و متعاقب آن در سال ۱۳۹۴ با تصویب ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی بنا نهاده شد، رویکردی مثبت در جهت تکمیل نقاط ضعف ماده ۲۲ ق.ج.خ بود. وفق این رویکرد، در کلیه محکومیت‌های مالی، منجمله مهریه، در خصوص اعسار یا ایسار متعهد باید قائل به تفصیل شد:

الف - فرض نخست: مسبوق به یسار بودن متعهد یا معاوضی بودن منشأ دین

چنانچه وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته باشد یا وی در قبال دین، مالی دریافت کرده باشد (و متعهدله عوض آن مال را مطالبه کند)، در این صورت اصل بر یسار متعهد است و اثبات خلاف اصل (اعسار) بر عهده مدعی (متعهد) است. برای مثال، در قرارداد بیع، مبیع از دارایی بایع خارج و بایع ثمن را از مشتری مطالبه می‌کند. حال اگر بعد از تسلیم مبیع، مشتری ثمن را ندهد، اصل بر ایسار مشتری است و اثبات اعسار به عهده مشتری می‌باشد. تا لحظه اثبات اعسار، چنین مدیونی به عنوان بدهکار ماطل یا ممتنع، محبوس می‌شود.

ب - فرض دوم: غیرمعاوضی بودن منشأ دین

چنانچه مدیون بابت دین، مال یا خدمتی تحصیل نکرده باشد (مانند مهریه و ضمان ناشی از دیات)، در این صورت اصل بر اعسار متعهد است و متعهدله باید یسار او را به اثبات برساند. در این فرض، هرگاه خواننده دعوای اعسار (متعهدله) نتواند ملائت فعلی یا سابق متعهد را اثبات کند یا ملائت فعلی یا سابق متعهد نزد دادرس محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند متعهد پذیرفته می‌شود.

بنابراین، در حال حاضر باید ماده ۲۲ ق.ج.خ با ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، توأمان، ملاحظه شود. در ماده ۳ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی (مصوب ۱۳۹۴) آمده: «اگر استیفای محکوم به از طرق مذکور در این قانون ممکن نگردد، محکوم علیه به تقاضای محکوم له تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم له حبس می‌شود.

چنانچه محکوم علیه تا سی روز پس از ابلاغ اجرائیه، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خویش را اقامه کرده باشد، حبس نمی‌شود، مگر اینکه دعوای اعسار مسترد یا به موجب حکم قطعی رد شود. تبصره ۱ چنانچه محکوم علیه خارج از مهلت مقرر در این ماده، ضمن ارائه صورت کلیه اموال خود، دعوای اعسار خود را اقامه کند، هر گاه محکوم له آزادی وی را بدون اخذ تأمین بپذیرد یا محکوم علیه به تشخیص دادگاه کفیل یا وثیقه معتبر و معادل محکوم به ارائه نماید، دادگاه با صدور قرار قبولی وثیقه یا کفیل تا روشن شدن وضعیت اعسار از حبس محکوم علیه خودداری و در صورت حبس، او را آزاد می‌کند. در صورت رد دعوای اعسار به موجب حکم قطعی، به کفیل یا وثیقه گذار ابلاغ می‌شود که ظرف مهلت بیست روز پس از ابلاغ واقعی نسبت به تسلیم محکوم علیه اقدام کند. در صورت عدم تسلیم ظرف مهلت مذکور حسب مورد به دستور دادستان یا رئیس دادگاهی که حکم تحت نظر آن اجرا می‌شود، نسبت به استیفای محکوم به و هزینه‌های اجرایی از محل وثیقه یا وجه

الکفاله اقدام می‌شود. در این مورد دستور دادگاه ظرف مهلت ده روز پس از ابلاغ واقعی، قابل اعتراض در دادگاه تجدیدنظر است.»

به هر حال قانونگذار با تصویب ماده ۲۲ ق.ح.خ علاوه بر این که ظاهراً خواسته است برخلاف اصل آزادی اراده عمل نکند، به گونه‌ای طرح مسأله کرده که طرفین عقد نکاح را مجاب کند مهریه را بیشتر از ۱۱۰ سکه تعیین نکنند. یعنی حمایت‌ها و ضمانت اجراهای مهریه‌های بالاتر از ۱۱۰ سکه را کم کرده است. مؤید مطلب ادامه ماده می‌باشد که عنوان نموده «چنان چه مهریه بیشتر از این میزان باشد، در خصوص مازاد، فقط ملائت زوج ملاک پرداخت است.»

البته ممکن است این مسأله مطرح شود که ماده ۲۲ ق.ح.خ ضمانت اجرای کیفری عدم تأدیه مهر را در مورد مازاد بر ۱۱۰ سکه حذف نکرده، بلکه فقط آن را به اثبات ملائت زوج مشروط کرده است. در پاسخ می‌توان گفت این نظر با ظاهر ماده ۲۲ سازگار نیست؛ زیرا این ماده فقط مهریه تا ۱۱۰ سکه را مضمول ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که متضمن ضمانت اجرای حبس است، دانسته است و از مفهوم آن چنین برمی‌آید که مازاد بر این مقدار، مجازات حبس ندارد و زوجه فقط با توقیف و فروش اموال مدیون بر طبق مقررات و اجرای احکام یا اسناد لازم‌الاجرا می‌تواند طلب خود را استیفا کند. در نظرات شورای نگهبان پیرامون ماده ۲۲، طرفداران عدم مغایرت این ماده با شرع معتقد بودند که «با توجه به وجود مهریه‌های سنگین و بدون حساب در جامعه، این ماده در راستای جلوگیری از تعیین این مهریه‌ها، صرفاً حمایت کیفری ابتدایی خود را از تعداد بیشتر از ۱۱۰ سکه برداشته است، و با توجه به اینکه در دیونی این چینی به خصوص در مورد جوانان، اصل بر عدم ملائت و دارایی زوج به پرداخت این دین به زوجه است، قانونگذار حمایت کیفری خویش را در بیش از این میزان، منوط به اثبات ملائت زوج کرده است. لذا این ماده مغایرتی با شرع و قانون اساسی ندارد و حتی در خصوص سایر افراد مدیون نیز، در صورتی که نسبت به سابقه ملائت یا اعسار آنان، علم وجود نداشته باشد، اصل بر عدم ملائت است و نباید اقدام به حبس آنان کرد» (پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۳، ص ۴۶).

گفتار پنجم: تأثیر ماده ۲۲ ق.ح.خ نسبت به گذشته

قانونگذار در قانون حمایت خانواده مشخص نکرده است که حکم ماده ۲۲ عطف به ماسبق می‌شود یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا این ماده شامل مهریه‌های تنظیم شده قبل از تاریخ تصویب قانون (۱۳۹۱/۱۲/۱) می‌شود یا خیر؟ در این باره بین قضات اختلاف نظر است: عده‌ای معتقدند که با توجه به ماده ۴ ق.م. که بیان می‌کند: «اثر قانون نسبت به آتیه است و قانون نسبت به ما قبل خود اثر ندارد مگر اینکه در خود قانون مقررات خاصی نسبت به این موضوع اتخاذ شده باشد» و با توجه به حقوق مکتسبه، اثر ماده ۲۲ ق.ح.خ فقط مربوط به سند نکاح‌های بعد از تصویب است و شامل نکاح‌های قبل از آن نمی‌شود. طیفی دیگر معتقدند با توجه به فلسفه وضع ماده ۲۲ ق.ح.خ، منظور از عبارت «زمان عقد» مطلق است و شامل همه زمان‌ها می‌باشد. بنابراین قانون مذکور عطف به ماسبق می‌شود و ملاک زمان مطالبه مهریه است و لو این که عقد نکاح قبل از قانون حمایت خانواده باشد. (قربانوند، ۱۳۹۳، ۸۶)

به نظر ما با توجه به این که هدف اصلی قانونگذار از وضع ماده ۲۲ کمکردن زندانیان مهریه بوده است، ماده مزبور در مورد مهریه‌هایی که قبل از تصویب قانون تعیین شده‌اند، نیز لازم‌الاجرا است و نمی‌توان در این مورد به قاعده عدم تأثیر قانون در گذشته استناد کرد (صفایی و امامی، ۱۳۹۳، ۱۷۸) و مؤید این مطلب عبارت «در زمان وقوع عقد» می‌باشد که حاکی از سرایت قانون به گذشته است.

گفتار ششم: نحوه اجرای مهریه با توجه به ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده

امروزه میزان، نحوه پرداخت و وصول مهریه با بحران‌های زیادی روبرو است؛ تا جایی که قانونگذار بر آن شد با توجه به ویژگی خاص موضوع، در این خصوص اقدام به تصویب یک ماده برای رفع مشکلات و موانع اجرایی آن در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۹۱ کند. آنچه در این مقاله بررسی می‌شود، ماده ۲۲ قانون مزبور است که در خصوص مهریه، مقرره‌ای وضع کرده است که تا به حال در سیستم قضایی ایران مسبوق به سابقه نبود. رویکرد قانونگذار در تصویب ماده ۲۲ ق.ح.خ، کاهش توقیف اشخاص در قبال دین مدنی مهریه است. حبس زوج به دلیل عدم پرداخت مهریه یکی از معضلات اساسی دستگاه قضایی و خانواده‌هاست. به نظر می‌رسد با تصویب ماده ۲۲ ق.ح.خ و ابلاغ پاره‌ای سیاست‌های قضایی توسط ریاست قوه قضائیه و همچنین تصویب قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی، معضل حبس بدهکاران مهریه تعدیل شود، بعد از تصویب قانون جدید حمایت خانواده عموماً این تصور غالب شده است که وصول مهریه به میزان بیش از ۱۱۰ سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن صرفاً منوط به معرفی اموالی از زوج توسط زوجه است ولی جهت اجبار زوج به پرداخت مهریه کمتر از این میزان، امکان اعمال حبس ناشی از محکومیت‌های مالی همچنان باقی است به موجب ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱ اسفندماه ۱۳۹۱: «هرگاه مهریه در زمان وقوع عقد تا یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن باشد، وصول آن مشمول مقررات ماده ۲ قانون اجرای محکومیت‌های مالی است. چنانچه مهریه، بیشتر از این میزان باشد در خصوص مازاد، فقط ملائت (توانایی مالی) زوج ملاک پرداخت است. رعایت مقررات مربوط به محاسبه مهریه به نرخ روز کماکان الزامی است.» البته هم‌اکنون به جهت نسخ ماده ۲ قانون قدیم نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۷ مذکور، ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ به جای آن اعمال می‌شود. ه موجب ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳: «اگر استیفای محکوم‌به (در اینجا: مهریه) از طرق مذکور در این قانون ممکن نشود، محکوم‌علیه (در اینجا: زوج) به تقاضای محکوم‌له (در اینجا: زوجه) تا زمان اجرای حکم یا پذیرفته‌شدن ادعای اعسار او یا جلب رضایت محکوم‌له (در اینجا: زوجه) حبس می‌شود.» بنابراین بر خلاف «حبس ناشی از مجرمیت»، «حبس ناشی از محکومیت‌های مالی» علی‌القاعده تا روز تادیه محکوم‌به (در اینجا: مهریه)؛ یوم‌الاداء، ادامه خواهد داشت مگر اینکه محکوم‌علیه (در اینجا: زوج) بتواند به هر طریقی رضایت محکوم‌له (در اینجا: زوجه) را اخذ کرده و یا اینکه اعسار خود را ثابت کند.

به موجب ماده ۶ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳: «معسر کسی است که به دلیل نداشتن مالی به جز مستثنیات دین، قادر به تأدیه دیون خود نباشد.»

قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ ضمن منسوخ کردن ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۲۱ فروردین ماه ۱۳۷۹ در ماده ۲۹ خود، مستثنیات دین را در ماده ۲۴ به شرح ذیل اعلام کرده است: مستثنیات دین صرفاً شامل موارد زیر است:

- الف) منزل مسکونی که عرفاً در شأن محکوم‌علیه (در اینجا: زوج) در حالت اعسار او باشد؛
- ب) اثاثیه مورد نیاز زندگی که برای رفع حوایج ضروری محکوم‌علیه (در اینجا: زوج) و افراد تحت تکفل وی لازم است؛
- ج) آذوقه موجود به قدر احتیاج محکوم‌علیه (در اینجا: زوج) و افراد تحت تکفل وی برای مدتی که عرفاً آذوقه ذخیره می‌شود؛
- د) کتب و ابزار علمی و تحقیقاتی برای اهل علم و تحقیق متناسب با شأن آنها؛

ه) وسایل و ابزار کار کسبه، پیشه‌وران، کشاورزان و سایر اشخاص که برای امرار معاش ضروری آنها و افراد تحت تکفل شان لازم است؛

و) تلفن مورد نیاز مدیون؛

ز) مبلغی که در ضمن عقد اجاره به موجر پرداخت می‌شود، مشروط بر اینکه پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج شود و عین مستأجره مورد نیاز مدیون بوده و بالاتر از شأن او نباشد.»

در نتیجه این بحث از منظر کسی که باید اعسار یا عدم اعسار را ثابت کند، بسیار اساسی می‌شود زیرا اگر امکان اخذ رضایت محکوم‌له نباشد، تنها راه توقف اجرای حبس ناشی از محکومیت‌های مالی اعلام اعسار محکوم‌علیه است.

ولی به موجب ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳: «در مواردی که وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت (توانایی مالی) وی داشته یا مدیون در عوض دین، مالی دریافت کرده یا به هر نحو تحصیل مال کرده باشد اثبات اعسار بر عهده اوست؛ مگر اینکه ثابت کند آن مال تلف حقیقی یا حکمی شده است؛ در این صورت و نیز در مواردی که مدیون در عوض دین، مالی دریافت نکرده یا تحصیل نکرده باشد، هرگاه خواننده دعوای اعسار نتواند ملائت (توانایی مالی) فعلی یا سابق او را ثابت کند، یا ملائت (توانایی مالی) فعلی یا سابق او نزد قاضی محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند مدیون مطابق تشریفات مقرر در قانون آیین دادرسی مدنی پذیرفته می‌شود.

همانطور که مشخص است به موجب ماده ۲ قانون قبلی اثبات اعسار بدون هیچ تفکیکی، در هر صورت بر عهده محکوم‌علیه به عنوان مدعی اعسار بود ولی در ماده ۷ قانون جدید این امر با تفکیکی انجام پذیرفته است.

از آنجا که این تفکیک خیلی پیش‌تر از زمان تصویب این قانون جدید، توسط رییس قوه قضاییه با اعمال اصلاحیه بند (ج) ماده ۱۸ آیین‌نامه اجرایی موضوع ماده ۶ نحوه اجرای محکومیت‌های مالی قبلی مصوب ۳۱ تیرماه ۱۳۹۱ اجرا شده بود، از مفاد بند (۲) ماده ۱۷ دستورالعمل ساماندهی زندانیان و کاهش جمعیت کیفری زندان‌ها مصوب ۲۹ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۲ برای تفصیل بیشتر تفکیک مقرر در ماده ۷ قانون جدید می‌توان استفاده کرد:

«در خصوص ادعای اعسار محکوم‌علیه و درخواست بازداشت وی حسب درخواست محکوم‌له به جهت امتناع از پرداخت محکوم‌به، دادگاه با بررسی ادله ابرازی و توجه به نکات زیر اتخاذ تصمیم خواهد کرد:

الف) هرگاه وضعیت سابق محکوم‌علیه از نظر اعسار یا ایسار معلوم بوده و دلیلی که تغییر حالت سابقه را اثبات کند ارائه نشده باشد؛ دادگاه با استصحاب حالت سابقه دستور یا حکم مقتضی صادر خواهد کرد.

ب) در صورتی که منشأ دین قرض یا معاملات معوض بوده مادام که تلف مال مکتسبه ثابت نشده باشد، دادگاه با استصحاب وجود مال و تمکن محکوم‌علیه، نسبت به صدور حکم رد اعسار اقدام خواهد کرد؛ مگر آن که مدعی اعسار خلاف آن را ثابت کند.

ج) چنانچه وضعیت سابق محکوم‌علیه مجهول بوده و دین مورد حکم دادگاه ناشی از اخذ و تحصیل مال به صورت مستقیم یا غیرمستقیم نباشد، مانند «مهریه» یا «ضمان ناشی از مقررات مربوط به دیات»، ادعای اعسار محکوم‌علیه مطابق اصل بوده و مادامی که خلاف آن ثابت نشده موجبی برای بازداشت محکوم‌علیه به عنوان ممتنع نخواهد بود.»

بدین ترتیب در کلیه دعوای مطالبه مهریه، ادعای اعسار زوج مطابق اصل بوده و مادامی که خلاف آن توسط زوج ثابت نشده است به هیچ وجه موجبی برای بازداشت او به عنوان ممتنع وجود نخواهد داشت.

ولی هنوز این ابهام باقی است که با توجه به ماده ۲۲ قانون حمایت از خانواده مصوب ۱ اسفند ماه ۱۳۹۱ که در آن صرفاً مهریه تا سقف یکصد و ده سکه تمام بهار آزادی یا معادل آن را مشمول ماده ۲ قانون قبلی نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۰ آبان ماه ۱۳۷۷ (هم اکنون ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳) دانسته و در خصوص مازاد، ملائت (توانایی مالی) زوج را ملاک پرداخت دانسته است و با توجه به مفاد ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ که در آن به نوعی در مورد مطالبه مهریه اصل بر اعسار زوج قرار داده شده و به همین دلیل زوجه می باید بدو توانایی مالی زوج را اثبات و سپس تقاضای اعمال ماده ۳ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی مصوب ۱۵ مهرماه ۱۳۹۳ را کند.

در دعوی مطالبه مهریه اصل بر اعسار زوج قرار گرفته است بنابراین زوجه ناگزیر به اثبات عدم اعسار یا به عبارتی ملائت زوج می باشد که در صورت عدم توانایی اثبات ملائت زوج توسط زوجه، محکومیت مقرر در ماده ۳ قانون موصوف به جهت عدم پرداخت مهریه به هر میزان قابل اعمال نخواهد بود. این ترتیب در حالی است که حتی در فرض اثبات ملائت زوج توسط زوجه اعمال حبس ناشی از عدم تادیه مهریه فقط تا میزان ۱۱۰ سکه بهار آزادی و مطابق ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده می باشد. بنابر آنچه گفته شد، نمی توان علی رغم برخی نظرات قائل به نسخ ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده باشیم بلکه در مقام جمع بین دو ماده فوق و نهایتاً زمان اجرای ماده ۲۲ باید بگوییم که بعد از اثبات ملائت زوج، ماده ۲۲ قانون حمایت خانواده نمود و اجرایی خواهد شد.

آنچه که از ابتدا وجود داشته و نیز مطابق با قواعد و اصول فقهی بوده است این مطلب می باشد که هرگاه شخصی توانایی و استطاعت پرداخت دیون خود را نداشته باشد، حبس نخواهد شد. بنابراین اینکه بار اثبات ملائت زوج طبق قانون برعهده زوجه قرار گرفته علاوه بر اینکه در راستای اصل فوق می باشد، نمی تواند خللی به قواعد و اصول فقهی فوق وارد آورد، زیرا همواره اثبات خلاف اصل ممکن می باشد، علاوه بر اینکه قانونگذار هم زوجه را در راستای شناسایی اموال زوج و بررسی اعسار یا ایسار زوج مورد حمایت خود قرار داده است، به عبارتی دیگر زوجه همواره در جهت اثبات مال دار بودن زوج قدم بر می دارد، چه اینکه این تکلیف پیش از این هم برعهده زوجه گذاشته شده بود و وی ناگزیر می بود تا در مقابل ادعای اعسار زوجه اش، با آوردن دلایل اثباتی مبنی بر عدم اعسار زوج در دعوی اعسار، ملائت وی را اثبات نماید. بنابراین حتی عدم موفقیت زوجه در شناسایی اموال زوج به واسطه مال نداشتن وی را بایستی امری در راستای اصل فوق که هرکسی مالی نداشته باشد حبس نخواهد شد بدانیم، مگر اینکه زوج با سوءنیت اموال خود را مخفی یا منتقل نموده باشد، این در حالی است که با تدابیری که قانونگذار در این قانون اتخاذ نموده است امکان شناسایی اموال محکوم (زوج) و جلوگیری از مخفی نمودن اموالش بیش از پیش وجود خواهد داشت، که این امر خود حمایتی آشکارا از زوجه می باشد.

نتیجه گیری

مهر، هدیه ای بلاعوض و بر خوردار از ارزش نمادین است. در صورتی که عرف موجود (امروز) آن را به عنوان عوض، وثیقه و ذخیره روز مبادا، تلقی می کند و هدیه بودن آن با الزام شرعی و حقوقی مرد به پرداخت آن منافات ندارد. رویکرد قانونگذار در تصویب ماده ۲۲ ق.ج.خ، کاهش توقیف اشخاص در قبال دین مدنی مهریه بوده است. حبس زوج به دلیل عدم پرداخت مهریه یکی از معضلات اساسی دستگاه قضایی و خانواده‌ها بوده است.

زندان برای محکومان مالی، پیش از آنکه ایستگاه بدهکاری آن‌ها باشد، خاستگاه بزهکاری است. به نظر می‌رسد با تصویب ماده ۲۲ ق.ج.خ و ابلاغ پاره‌های سیاستهای قضایی توسط ریاست قوه قضائیه و همچنین تصویب قانون جدید نحوه اجرای محکومیتهای مالی، معضل حبس بدهکاران مهریه تعدیل شد. با تصویب قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی در کنار ماده ۲۲ ق.ج.خ میزان زندانیان مهریه به شدت تقلیل می‌یابد و این اقدام مقنن امری مثبت و در خور تقدیر است. تا قبل از سال ۱۳۹۱، به موجب ماده ۲۳ قانون اعسار (مصوب ۱۳۱۳)، محکومیتهای مالی، اصل بر یسار شخص محکوم بود. لذا زوج که مدعی اعسار بود باید به عنوان خواهان دعوی اعسار، خلاف این اصل را به اثبات می‌رساند. رویکردی که در سال ۱۳۹۱ با اصلاح بند «ج» ماده ۱۸ آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی و متعاقب آن در سال ۱۳۹۴ با تصویب ماده ۷ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی بنا نهاده شد، رویکردی مثبت در جهت تکمیل نقاط ضعف ماده ۲۲ ق.ج.خ بود. وفق رویکرد جدید، در کلیه محکومیتهای مالی، از جمله مهریه، در خصوص اعسار یا یسار متعهد باید به وضعیت سابق مدیون توجه کرد: چنانچه وضعیت سابق مدیون دلالت بر ملائت وی داشته باشد یا وی در قبال دین، مالی دریافت کرده باشد (و متعهدله عوض آن مال را مطالبه کند)، در این صورت اصل بر یسار متعهد است. چنانچه مدیون بابت دین، مال یا خدمتی تحصیل نکرده باشد (مانند مهریه و ضمان ناشی از دیات)، در این صورت، اصل بر اعسار متعهد است و متعهدله باید یسار او را به اثبات برساند. در فرض اخیر، هرگاه خواننده دعوی اعسار (متعهدله) نتواند ملائت فعلی یا سابق متعهد را اثبات کند یا ملائت فعلی یا سابق متعهد نزد دادرس محرز نباشد، ادعای اعسار با سوگند متعهد پذیرفته می‌شود. در حال حاضر باید ماده ۲۲ ق.ج.خ با ماده ۷ قانون جدید نحوه اجرای محکومیت های مالی ملاحظه شود. رویکرد کنونی قانونگذار بعد از تصویب قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی (مصوب ۱۳۹۴) هم حقوق طلبکاران را مراعات میکند (به ویژه اینکه در قانون جدید، واحد اجرای احکام در چندین ماده مکلف شده تا « به هر نحوی که قانوناً ممکن باشد » به شناسایی اموال متعهد اقدام کند) و هم از حبس بدهکاران مهریه تا حد امکان جلوگیری به عمل می‌آورد.

منابع :

۱. آراد، علی، مَهر تاریخچه و ماهیت و احکام آن، تهران: چاپ مصطفوی، ۱۳۴۱ ش.
۲. انصاری، مسعود و محمدعلی طاهری، دانشنامه حقوق خصوصی، تهران: محراب فکر، چ ۲، ۱۳۷۶ ش.
۳. امامی، حسن، حقوق مدنی، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چ ۱۵، ۱۳۷۴ ش.
۴. امینی، ابراهیم، انتخاب همسر، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۵. امیری، علی، تشکیل خانواده در اسلام، بی جا: انتشارات امیرکبیر، چ ۸، ۱۳۷۲ ش.
۶. افروز، غلامعلی، مایبانی روان شناختی ازدواج در بستر فرهنگ و ارزشهای اسلامی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تهران؛ چ ۲، ۱۳۸۱ ش.
۷. بهشتی، مرتضی، ترجمان مهندسی مَهریه در شعاع جامعه و خانواده، تهران: بی نا، ۱۳۸۷ ش.
۸. بجنوردی، محمد، قواعد فقهیه، قم: نشر میعاد، چ ۲، ۱۳۷۲ ش.
۹. بهرامی احمدی، حمید، قواعد فقه، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۸۸ ش.
۱۰. بهنام، جمشید و شاپور راسخ، مقدمه ای بر جامعه شناسی ایران، تهران: انتشارات خوارزمی، چ ۳، ۱۳۴۸ ش.
۱۱. پولادی؛ ابراهیم؛ مَهریه و تعدیل آن؛ تهران: نشر دادگستر؛ ۱۳۸۸ ش.
۱۲. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۸ ش.
۱۳. زن در آینه جلال و جمال، قم: نشر اسراء، ۱۳۷۵ ش.
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چ ۱۱، ۱۳۸۰ ش.
۱۵. حقوق خانواده، تهران: گنج دانش، چ ۲، ۱۳۷۶ ش.
۱۶. مجموعه محشی قانون مدنی، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۹ ش.
۱۷. حائری، علی، شرح قانون مدنی، تهران: گنج دانش، ۱۳۷۶ ش.
۱۸. دانش پژوه، مصطفی و قدرت الله خسروشاهی، فلسفه حقوق، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۱ ش.
۱۹. درسنامه فلسفه حقوق، نگارش جمعی از نویسندگان، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. سنگلجی، محمد، ضوابط و قواعد معاملات، تهران: انتشارات حیدری، چ ۴، ۱۳۴۷ ش.
۲۱. شفایی، محسن، متعه و آثار حقوقی آن، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲، بی تا.
۲۲. شهیدی، مهدی، تشکیل قرار دادها و تعهدات، تهران: مجد، چ ۷، ۱۳۸۰ ش.
۲۳. شروط ضمن عقد، تهران: مجد، چ ۲، ۱۳۸۷ ش.
۲۴. حقوق مدنی، عقود معین ۱، تهران: مجد، ۱۳۸۲ ش.
۲۵. تشکیل قرار دادها، تهران: نشر حقوقدان، ۱۳۷۷ ش.
۲۶. شفق، غلامرضا، مَهریه و جهیزیه در اسلام و ایران، قم: مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۸ ش.
۲۷. شرف الدین، حسین، تبیین جامعه شناختی مَهریه، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۰.
۲۸. صفائی، حسین و اسدالله امامی، مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر دادگستر، ۱۳۷۶ ش.
۲۹. طاهری، حبیب الله، حقوق مدنی، قم: مدرسین، ۱۳۷۵ ش.

۳۰. عاملی، باقر، حقوق خانواده، تهران: مدرسه عالی دختران، ۱۳۵۰ ش.
۳۱. عبده «بروجدی»، محمد، کلیات حقوق اسلامی، تهران: انتشارات رهام، ۱۳۸۱ ش.
۳۲. عادل‌ی مقدم، محمدعلی، فلسفه مهریه و بررسی آن در فقه و قانون مدنی، تهران: بی نا، ۱۳۸۲ ش.
۳۳. فضل‌الله، محمد حسین، همسر‌داری، ترجمه: لطیف راشدی، تهران: پیام آزادی، ۱۳۷۳ ش.
۳۴. قنواتی، جلیل و دیگران، حقوق قرار دادها در فقه امامیه، تهران: سمت، ۱۳۷۹ ش.
۳۵. قربان‌نیا، ناصر و همکاران، بازپژوهی حقوق زن، تهران: انتشارات روز نو، ۱۳۸۴ ش.
۳۶. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷ ش.
۳۷. قواعد عمومی قراردادها، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۴، ۱۳۷۶ ش.
۳۸. حقوق خانواده، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۳، ۱۳۵۰ ش.
۳۹. قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران: نشر میزان، چ ۱۸، ۱۳۸۷ ش.
۴۰. مصباح یزدی، محمدتقی، حقوق و سیاست در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۷۷ ش.
۴۱. اخلاق در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ ۶، ۱۳۸۰ ش.
۴۲. موسوی خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، تهران: بی نا، ۱۳۷۲ ش.
۴۳. محقق داماد، مصطفی، قواعد فقه مدنی، تهران: سمت، چ ۲، ۱۳۷۴ ش.
۴۴. بررسی فقهی حقوق خانواده، تهران: نشر علوم اسلامی، چ ۵، ۱۳۷۴ ش.
۴۵. معین، محمد، فرهنگ فارسی متوسط، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۴۷ ش.
۴۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چ ۳۱، ۱۳۸۰ ش.
۴۷. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ ش.
۴۸. هدایت‌نیا، فرج‌الله، دآوری در حقوق خانواده، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۴۹. حقوق مالی زوجه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۵ ش.
۵۰. هدایت‌نیا، فرج‌الله و دیگران، حقوق مالی زوجه، مجموعه مقالات، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی زنان، ۱۳۸۶ ش.